

# کارگران از هرگونه ستم و تبعیضی بیزارند



رفقای کارگر سلام و خسته نباشید

رفقا، صحبت امروز خودمان را با درود به همقطارهایمان در شرکت فلات قاره ایران، نفت و گاز پارس، شرکت نفت آغاچاری و بقیه رفقای کارگری که در قسمت‌های مختلف صنعت نفت دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند، شروع می‌کنیم. اقدام همزمان شما عزیزان در سایت‌های مختلف واقعا بی نظیر بود، تودهنی محکمی به دهان این صاحب‌کارهای پاه‌گوزد و آن‌ها را آچمز کرد. این حقه‌بازها همیشه سعی می‌کنند تا به هر وسیله ممکن که می‌شود بین ما کارگران تفرقه بیندازند و ما را از هم جدا کنند. اما این‌ها غی فهمند که درد مشترکی ما را به هم پیوند می‌دهد، درد بهره‌کشی و ناداری. ما جان می‌کنیم تا این آقایان و نوه نتیجه‌هایشان در رفاه کامل زندگی کنند و خودمان نانی برای سیرکردن شکم بچه‌هایمان نداریم. این درد مشترک سرنوشت ما را به هم گره زده است و رهایی تک‌تک ما در گرو رهایی همه کارگران باهم است. دیر نیست که شر این صاحب‌کاران را از سر همه مردم ایران کوتاه کنیم و ثمره کارمان به خودمان و بقیه زحمت‌کشان جامعه برگردد. اما تا رسیدن به آن مرحله که کلی تدارکات و آماده‌سازی احتیاج دارد، غمی توان ساکت نشست و کاری نکرد. همین اعتراضات و اعتصابات صنفی ما امتحان قوه‌ای پیش از امتحان نهایی است. این اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها در واقع مدرسه انقلاب است. ما ممکن است در هر مرحله‌ای از مبارزه ببازیم و ناچار عقب‌نشینی کنیم، اما از باخت خود درسی می‌گیریم که ما را برای پیروزی نهایی آماده‌تر می‌کند.

یکی از دلایل شکست ما در اوایل حکومت جمهوری اسلامی، عمل آگاهانه و سنجیده‌شده آنان در پاره‌پاره کردن کارگران و قراردادن ما در مقابل یک‌دیگر بود. پیروزی شکوهمند کارگران شرکت نفت در سال ۱۳۵۷ به دشمنان ما آموخت که کارگران علی‌رغم نظرگاه‌های مختلف فکری منافع عینی مشخصی دارند که برای کسب و تحقق آن به دور هم جمع می‌شوند. آنان در واحدهای بزرگ صنعتی و در کنار هم به قدرت بی‌انتهای خود پی می‌برند. آن‌ها چگونگی در کنار هم بودن را از کار مشترک در واحدهای صنعتی بزرگ یاد گرفته‌اند. پس اولین اقدام باید شکستن این اتحاد به واحدهای کوچک‌تر باشد. صاحب‌کارها ما کارگران نفت، معادن و بسیاری دیگر از صنایع را به کارگران رسمی، قراردادی، پیمانی و پروژه‌ای تقسیم کردند. یکی اندکی بیش‌تر گرفت، دیگری مرخصی چرب‌ونرم‌تری داشت و سومی باید برای ادامه کار، قرارداد مدت نامعلوم و سفیدکاغذ امضا می‌کرد. یک پیمان کار کمی روغن آتش را زیادتر می‌کرد و دیگری بشکه آب ابوالفضل با یخ میسوط برای کارگران می‌گذاشت، اما همه در انتها ما را بهره‌کشی می‌کردند. همه از ثمره کار ما می‌دزدیدند و برایشان مهم هم نبود که اهل کردستان باشیم یا کاشان، سیستان بلوچستانی باشیم یا کرد.

این کلاش‌ها در جریان اعتراضات اخیر کارگران نفت دست به عمل رزیلانه دیگری زده‌اند.

همان‌طور که باخبر هستید کارگران شرکت پتروسامان رازی در حال اعتراض هستند. این سومین اعتراض رفقای کارگر ما در این شرکت در سال جاری است. درخواست‌ها هم مطابق معمول پرداخت مطالبات معوقه و رفع تبعیضات فراوانی است که در

شکل اختصاص‌دهی امتیازات رفاهی بین کارگران و کارکنان رسمی، قراردادی و پیمانی و پروژه‌ای، بروز می‌کند. فکر نمی‌کنیم کسی از کارگران با این شیوه تفرقه‌اندازی آشنایی نداشته باشد.

حال در چنین شرایطی که کارگران پتروسامان رازی برای رفع تبعیضات ناعادلانه بین کارگران دست به اعتراض زده‌اند، صاحب‌کار تبعیض دیگری را سازمان‌دهی کرده است. مدیران شرکت از روز ابتدای شروع اعتراض در روز شنبه، هفتم مهرماه، جیره غذایی گرم کارگران پروژه‌ای را قطع کرده و تنها به کارکنان و کارگران رسمی و قراردادی شام و نهار می‌دهد. این شیوه تفرقه‌اندازی بین کارگرها نه تنها شیوه‌ای بسیار کثیف و غیرانسانی‌ست؛ بلکه توهین به شخصیت و کرامت ما کارگرها هم به حساب می‌آید. این‌ها چه تصویری از ما کرده‌اند. یک کارگر شریف هرگز رفقای هم زنجیر خود را به یک وعده غذایی گرم نمی‌فروشد. آدم‌ها حتی در اردوگاه‌های مرگ نازی هم از شکم خود قیچی می‌کردند تا هم‌نوع خود را زنده نگاه دارند. البته بگذریم از مشت‌آدم‌فروش که به هر حال وجود دارند.

رفقا

ما می‌توانیم از گرفتن این غذا خودداری کنیم، ما که گرسنه این یک لقمه غذا نمی‌مانیم. کسی را هم که به علت غذا نگرستن مواخذه نمی‌کنند. این عمل مشترک ما به کارفرماها نشان می‌دهد که علی‌رغم مخیله غلیل و بیمار شما ما رفیق کارگران را به مثقالی غذا نمی‌فروشیم. ما مثل شما گرگ‌ها نیستیم که وقتی صحبت کسب سود شد، حتی به زن و بچه‌های خودتان هم رحم نمی‌کنید. نگاهی به وضعیت فعلی دنیا ببیندازید: یک طرف سیل می‌آید. یک طرف آتش‌سوزی شده. زمین لرزه هزاران نفر را می‌کشد و آب دریاها بالا آمده و زندگی بسیاری از مردم جزیره‌نشین به خطر افتاده است. جنگل‌ها را نابود کردید و حیوانات زیادی از صحنه طبیعت حذف شدند. همه این مصیبت‌ها دست‌پخت شما سرمایه‌دارها و صاحب کارهاست. شما حتی برایتان مهم نیست که فردا دود همه این خراب‌کاری‌ها به چشم خودتان و بچه‌هایتان برود. شاید هم پیشاپیش مقدمات نجات زندگی منحوستان را برنامه‌ریزی کرده‌اید. ما هم اگر مردیم که خیالی نیست!

رفقا

بیائید با امتناع از غذا گرفتن یک بار دیگر به این صاحب‌کارها نشان بدهیم که این حقه‌های احمقانه شما هم راه به جایی نمی‌برد. آن‌ها حقه دیگری نیز سوار کرده‌اند. کارگران رسمی و قراردادی می‌توانند ساعت دو بعدازظهر کار خود را به پایان برسانند، ولی بقیه ناچارند تا ساعت چهار بعدازظهر کار کنند. اگر اعتراضی هم بکنیم می‌گویند گردنشان کلفت است و هرکار بخواهند بکنند، خواهند کرد. به کسی هم حساب پس نمی‌دهند. دولت هم که دستش در دست همین صاحب‌کارهاست. اگر زیاد هم پررویی کنیم اسممان می‌رود توی لیست سیاه و هیچ کارفرمایی ما را استخدام نمی‌کند.

رفقا

ما برای رفع همین تبعیض‌هاست که مقابل کارخانه‌ها اجتماع می‌کنیم و درخواست‌هایمان را به صدای بلند اعلام می‌کنیم. ما نیز باید متحداً به آنان بگوئیم که این حقه‌های تبعیض‌آمیز شما نیز مورد قبول ما نیست. سرمایه‌دارها متحد عمل می‌کنند و ما هم چاره‌ای نداریم به جز آن‌که پاسخ آن‌ها را با عمل متحد و سازمان‌یافته خود بدهیم. پیروزی ما در اتحاد ماست و این اتحاد تنها می‌تواند توسط خود ما تحقق پیدا کند.

رفقا ما باید خود را در هسته‌های مخفی خودمان متشکل کنیم، باید به هم پیوند بخوریم تا بتوانیم خود را برای جنگ نهایی آماده کنیم. جنگی که دیربازود دارد اما سوخت و سوز ندارد. درد مشترک ما تنها با عمل مشترک خودمان قابل حل خواهد بود. به امید روزی که همه ما کارگران در هر جای ایران که هستیم در هر عمل و حرکتی پشت هم باشیم.

پیروز باشید

پیش به سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!

پیش به سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!

پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!

پیش به سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

**هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)**